

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و پنجم سال چهارم درس خارج فقه القضا 21 اسفند ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست افتراقی، قاعده درأ و نهاد توبه؛

نزدیک ایام ماه مبارک رمضان می‌شویم و از بهترین مباحث قابل بیان برای مردم مسائل اخلاقی و معرفتی و احکامی توبه است.

مساله اول نهاد توبه: صرف بازگشت به خداوند متعال کافی است یا عمل صالح هم نیاز دارد؟ الا الذين تابوا و عملوا شاید راه گشا برای این سوال باشد.

سوال دیگر: توبه مردود نیز داریم؟ و اصلا این دعا چقدر فنی و منضبط است که خداوند توبه ما را قبول کند یا بگوییم پروردگارا توفیق توبه به ما عنایت بفرما؟ یا خدای نخواستہ به جایی برسیم که قرآن شریف در حق ما بگوید: وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، سوره نساء: 18. پس باید بگوییم: توبه فقط مقبول است بلکه انسان دو صورت دارد: آن‌که توفیق توبه پیدا می‌کند و آن‌که توفیق توبه پیدا نمی‌کند.

اما رابطه قاعده درأ با توبه؛ در مواردی توبه مُسْقَطٌ حُدِّ می‌شود چون در آیات و روایات به این مطلب اشاره شده است، حال آیا اظهار لفظ توبه از طرف مجرم کافی است؟ یا عملی نیز دال بر توبه باید از او سر بزند و حتی در راستای توبه‌اش امتحان هم بشود؟ توبه زمان و مکان دارد؟ توبه نزد قاضی باشد یا مثلاً قبل از قیام بینه توبه نماید؟

نکته مهم: این سوالات ربطی به بحث ندارد زیرا اگر قاعده درأ را نیز قبول نداشته باشیم این سوالات نیز مطرح است. زمانی که قرآن شریف می‌فرماید: ... وَ الْأَذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (سوره نساء: 15 و 16)؛ مگر این که توبه کنند و اصلاح شوند. (برای مطالعه بیشتر؛ سوره مائده: 33 و 34 و 38 و 39- سوره نور: 2 و 4 و 5). معنای توبه در این موقع نیز مورد سوال است و ربطی به قاعده درأ، حد و غیره هم ندارد.

اما یک سوال به بحث ما نحن و فیه مرتبط می‌شود و آن این است: آیا در توبه‌ی مُسْقَطٌ حُدِّ، احراز لازم است؟ یا در صورت شبهه توبه حاکم شرع می‌تواند حکم را اجرا نکند؟ آیا می‌شود بگوییم: احتمال توبه شبهه است و تمام شبهات تدرء الحدود است بنابراین این شبهه، دارئه است؟

تعابیر مختلف از مراجع معاصر داریم؛ (مرکز تحقیقات قوه قضاییه)

برخی فرمودند: احراز لازم است و صحبتی نیز از قاعده درأ به میان نیاورده‌اند. (مرحوم آیت الله صافی)

دیگر فرمودند: ظاهراً احراز لازم است. (آیت الله مکارم شیرازی)

دیگر فرمودند: هرگاه نشانه‌هایی ظنی از توبه آشکار شده باشد مصداق تدرء الحدود بالشبهات می‌تواند باشد. (آیت الله فاضل لنکرانی)

دیگر فرمودند: اگر توبه به احتمال نشانه‌های و قرائن ظنی باشد کافی است و صرف احتمال کافی نیست. (آیت الله موسوی اردبیلی)

دیگر فرمودند: با توجه به شرائط روحی و جسمی متهم احراز توبه به عهده دادگاه و قاضی پرونده می‌باشد. پرونده شخصیت را مطرح نموده است. (اداره حقوقی قوه قضاییه)

اگر خلاصه نماییم اقوال را، کسی از مراجع قائل به احتمال توبه نشده است بلکه احراز توبه به لفظ یا قدری پایین تر از احراز را بیان فرمودند.

تتبع کافی است و شکی نیست که مدارک برای انجام بحث قرآن شریف و روایات است که البته به آیهی شریفه نساء آیه 15 و 16 اشاره شد. حال سوره مائده آیهی 33 و 34 راجع به محارب و مفسد است؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، توبه قبل از دستگیری مثمر است. در آیهی 39 از همین سوره مبارکه در مورد سارق و سارقه که دستشان را قطع بکنید مگر: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. سوره نور آیهی 2 و 4 و 5 در مورد زانیه و زانی و حدشان را هم مطرح می‌کند و بعد قذف آنان را، وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ ... در نهایت در آیه 5 می‌فرماید: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

حال اگر بگوییم مطلق به مقید تقييد زده شده است، آیه محارب هم که- و اصلح- ندارد به قرینه موارد دیگر برایش لحاظ می‌کنیم! بنابراین قرآن شریف در تمام موارد تاب و اصلح را داراست. ولی شاید بگوییم آیات مذکور مثبتین هستند و تقييد در مثبتین راه ندارد پس در محارب و مفسد صرف توبه کفایت می‌کند چون حکم اعدام و تبعید شبیه اعدام است بنابراین شاید توبه کفایت کند.

اما باید نکته‌ای را مد نظر قرار بدهیم؛ که قضیه طبیعی انگاری شود و در محیط عقلا تصور شود و می‌دانیم عقلا به صرف توبه بدون نشانه، توبه را قبول نمی‌کنند.

نظر نهایی استاد محترم: اظهار صرف توبه کفایت نمی‌کند ولی عمل نیز نیاز نداریم بلکه شخصیت مثبت و نشانه‌های بدون عمل مثبت او هم کفایت می‌کند. حال در این موقعیت اگر قاعده درأ را قبول کنیم احتمال و گمان توبه نیز کفایت می‌کند وگرنه طبق موازین یقین یا قطع، اطمینان و ظن معتبر باید پیدا نماییم.